سه‌شنبه ۹ مرداد ۱۴۰۳
شماره ۴۱۹۵
FARHIKHTEGANDAILY.COM
FARHIKHTEGANONLINE

مادورو باز هم پیروز انتخابات ونزوئلا شد، راز شکست پیاپی غربگراها در ونزوئلا چیست

فاتحان دریای کارائیب

سیدمهدی طالبی
دبیرگروه جهان‌شهر

ونزوئلا همچنان در مدار مخالفت با هژمونی آمریکاست. روز گذشته (دوشنبه) کمیسیون انتخابات ونزوئلا اعلام کرد نیکولاس مادورو، رئیس جمهور این کشور موفق شده بار دیگر در انتخابات پیروز شود. مادورو که از سال ۲۰۱۳ قدرت را در اختیار دارد، برای سومین دوره نیز به مدت ۶ سال حکومت خود را استمرار خواهد بخشید. در مقابل مخالفان همانند دور قبلی انتخابات که در سال ۲۰۱۹ برگزار شد، دولت را به تقلب متهم کرده‌اند؛ حربه یکسان متحدان و مزدوران غرب در سراسر جهان.

ادموندو گونزالس، دیپلمات ناشناخته و کهنسالی که رقیب مادورو در انتخابات بود، در نمایشی ضعیف، بازیچه بودن خود در دستان دیگران را به اثبات رسانده و تحت سایه فعالیت‌های ماریاماچادو، رهبر جبهه مخالفان، محو شده است. پس از انتخابات گونزالس صرفا یک نامزد شکست خورده است؛ درحالی که ماچادو به رهبر معترضان علیه نتیجه انتخابات تبدیل شده است.

انتخابات اخیر ونزوئلا به جبهه گسترده متحدان و دشمنان این کشور اثبات کرد چپ‌گرایان ضدآمریکایی دیگر به نظام سیاسی این کشور تبدیل شده‌اند.

قدرت دولت ونزوئلا

دولت ونزوئلا قدرت زیادی دارد و نمی‌توان با درنظر گرفتن ابعاد کوچک اقتصادی این کشور، درباره دولتش قضاوت کرد. در این باره نکاتی وجود دارد:

۱. قدرت تیم دولت کنونی در ونزوئلا تثبیت شده و به شکل یک نظام سیاسی درآمده است که نمی‌توان آن را به آسانی تغییر داد. این تیم به ریاست هوگو چاوز، رئیس جمهور سابق ونزوئلا از سال ۱۹۹۹ روی کار آمد و تا سال ۲۰۱۳ که چاوز بر اثر سرطان درگذشت، با او به فعالیت ادامه داد. از سال ۲۰۱۳ تاکنون نیز مادورو در راس این تیم قرار دارد.

چپ‌گرایان ۲۵ سال به شکل پیوسته و از طریق صندوق قدرت را حفظ کرده‌اند که به نظر می‌رسد حکایت از شکل‌گیری یک جریان قدرتمند اجتماعی دارد. نقشه قدرت در ونزوئلا همانگونه تغییر کرده که در آمریکا نیز حزب دموکرات با تمایلاتی که نسبت به جمهوریخواهان، چپ تلقی می‌شوند، از انتخابات سال ۱۹۹۲ تاکنون همواره به جز استثنائاتی، همواره آرای بالاتری داشته است.

در سال ۱۹۹۲، جورج بوش پدر که خود را با فروپاشی بلوک شرق و شوروی فاتح جنگ سرد می‌دانست، رقابت‌ها را به یک فرماندار ایالتی واگذار کرد. در سال ۲۰۰۰ جمهوریخواهان با تقلب پیروز شده و در سال ۲۰۰۴ نیز با وجود اشغال دو کشور و حضور فاتحانه در انتخابات تنها ۳ میلیون رای بیشتر از رقیب خود کسب کردند. در سال ۲۰۱۶ نیز که ترامپ به پیروزی رسید، نتیجه حاصل فرآیند پیچیده الکترال‌ها بود وگرنه او ۳ میلیون رای کمتر از هیلاری کلینتون، رقیب دموکرات‌ها کسب کرده بود.

از سال ۱۹۹۲ تاکنون جمهوریخواهان با هزار دوز و کلک و یا با معجزه الکترال‌ها راهی کاخ سفید شده‌اند. در طول این مدت، جمهوریخواهان ۱۲ سال در کاخ سفید بوده‌اند درحالی‌که دموکرات‌ها تقریبا دو برابر بیشتر و مدت ۲۰ سال کنترل کاخ را در دست داشته‌اند. در جامعه محروم ونزوئلا اما تمایل به چپ بربسامدتر از آمریکاست. اگر آمریکایی که چپ و سوسیالیست بودن در آن اتهامی غیرقابل بخشش و توهینی بزرگ است، اینگونه به سمت چپ گردش کرده، تکلیف ونزوئلا مشخص است.

آمریکا شاید برای ایجاد چالش ونزوئلا، به دنبال شکل‌دهی به جریان چپ رقیب برای مادورو باشد، اما او تمام این جریان را قبضه کرده است.

۲. ونزوئلا تحت فشار آمریکا و غرب است اما این مساله به معنای انزوا و رودررویی تنهای کاراکاس با مشکلات نیست. کاراکاس از حمایت طیف وسیعی از کشورهای قدرتمند بهره می‌برد. این حمایت‌ها سرنگونی مادورو را دشوار کرده‌اند. با همین حمایت‌ها، ونزوئلا ارتش مردمی چندمیلیونی تشکیل داده و از سوی دیگر به خوبی مسلح شده است. همچنین به چالش کشیدن کاراکاس به لحاظ بین‌المللی با حضور پکن و مسکو در شورای امنیت سازمان ملل میسر نیست. به عبارتی دیگر آمریکا با یک ونزوئلای تنها روبه‌رو نیست که بتواند هر بلایی که خواست بر سر آن بیاورد.

۳. ونزوئلا پایه و ستون اصلی مقابله با آمریکا در منطقه است. بر همین اساس قدرت‌های شرقی و مخالف آمریکا به این کشور به چشم یک دارایی استراتژیک نگاه می‌کنند. از این رو هر دستی را که به سمت کاراکاس دراز شود، ناکام می‌گذارند.

به عنوان نمونه روسیه ونزوئلا را به جت‌های جنگنده سوخو-۳۰ مجهز کرده و ایران نیز انواع پهپاد و موشک‌های ضدکشتی را در اختیار این کشور قرار داده است. تهران همچنین در اوج بحران بنزین در ونزوئلا زیر شدیدترین فشارها دست به اعزام کاروانی از نفتکش‌های حامل بنزین به این کشور زد؛ اقدامی متهورانه که در حین اجرای کمپین فشار حداکثری انجام شد.

۴. ونزوئلا دارای سازمان بزرگی است که نفوذ موثر در آن را ناکام می‌گذارد. دولت و حزب مسلط قدرتمند به همراه نیروهای مسلح پاکسازی و ازنو ساخته شده مجالی برای تحرکات جدی توسط مخالفان باقی نمی‌گذارد.

ضعف در مخالفت‌ها

در جبهه‌بندی مخالفان دولت مادورو، علاوه بر گستردگی، ضعف نیز یک ویژگی است. صف بلندبالای مخالفان داخلی و خارجی دولت ونزوئلا از پراکندگی شدید رنج می‌برد.

۱. موضع‌گیری اتحادیه اروپا و به طور کلی قاره سبز در خصوص انتخابات ونزوئلا محتاطانه بوده است. هرچند اروپا احساس قرابتی با دولت مادورو نداشته و موضع ثابتی در مخالفت با او دارد، اما مدت‌هاست از شدت تنش با او کاسته است. به نظر می‌رسد در شرایط کنونی نیز اروپایی‌ها دلایلی برای عدم تشدید تنش داشته باشند. جوزف بورل، مسئول اسپانیایی تبار سیاست خارجی اتحادیه اروپا صرفا بر این مساله تاکید کرده که باید به اراده رای دهندگان ونزوئلایی احترام گذاشته شود؛ موضعی که تنها حاوی طعنه به دولت مادورو است. موضع‌گیری این سیاستمدار اسپانیایی نمی‌تواند خارج از برداشت‌های دولت کشورش باشد. اسپانیا نسبت به نفوذ آرژانتین تحت مدیریت میلی، رئیس جمهور راست افراطی اش در ونزوئلا نگران است. میلی در دولتش ضرباتی به نیابت از رژیم صهیونیستی به اسپانیا وارد کرده و خشم مادرید را برانگیخته است.

حمایت افراد شناخته شده‌ای مانند میلی و حتی ایلان ماسک از نامزد مخالفان برای اروپا شائبه برانگیز است.

۲. مخالفان مادورو مشهور به پراکندگی و عدم انسجامند. آنها هربار با چهره‌ای جدید پا به میدان می‌گذارند. در دور گذشته، چهره مشهور آنان خوان گوایدو بود که به تاریخ سپرده شد. دولت ونزوئلا و ساختارهای انتخاباتی این کشور نیز با شناسایی و رد صلاحیت نامزدان مخالف، بر این سردرگمی افزوده‌اند.

جالب آنکه رئیس مخالفان گویا اعتبار بیشتری از نامزد انتخاباتی مخالفان دارد. این وضعیت برای اپوزیسیونی که از مشکل انسجام و رهبری رنج می‌برد، دردی مضاعف است.

۳. راهکار مخالفان برای کسب قدرت جرزنی انتخاباتی و اردوکشی خیابانی است. با این وجود نفوذ بالای دولت مادورو و جذاب نبودن ایده‌ها و رهبران مخالف، این حربه را ناکارآمد و مردم را از آشوب‌طلبی مخالفان متنفر ساخته است.

ستون‌های مهار ابرتورم ونزوئلا

مهار تورم ونزوئلا پدیده‌ای مهم در جهان است که هیچ‌گاه آمریکا حاضر نمی‌شد در مذاکرات رفع تحریم، آن را به دولت مادورو تقدیم کند. واشنگتن پس از مهار این بحران بود که برای کاهش بحران‌های خود راضی به توافقی کوتاه‌مدت با کاراکاس شد. در ادامه به دو اقدام مهم دولت مادورو برای بهبود تورم پرداخته شده است.

۱ اصلاحات و انضباط

دولت ونزوئلا برای مهار تورم دست به اصلاحات اقتصادی بزرگی زده و انضباط مالی سختگیرانه‌ای را اعمال کرد. این اقدامات طیف وسیعی از نهادهای دولتی و عرصه عمومی را در بر گرفت. در دولت هزینه‌ها به شدت کاهش یافتند که این مساله به‌ویژه حقوق‌ها را در بر می‌گرفت. از سال ۲۰۲۲ تاکنون حقوق‌ها در ونزوئلا افزایش نیافته‌اند و دولت برای ترمیم دستمزدها در قالب پاداش و بسته‌های غذایی کمک‌هایی برای کارمندان و کارگران در نظر گرفته است. همزمان با تنظیم اوضاع دولت مادورو تصمیم گرفت سیستم رفاهی پرهزینه کشورش را هم وارد فرآیند اصلاح کند. در این مسیر برخی از کمک‌ها به اقشار فرودست که به شکل بی‌ضابطه‌ای ارائه می‌شدند تحت کنترل درآمد. در یکی از مهم‌ترین گام‌ها در سال ۲۰۲۰ قیمت بنزین ۲۰ برابر افزایش یافت که نخستین افزایش قیمت پس از سال‌ها به حساب می‌آمد. این اقدام نه‌تنها یارانه دولتی به سوخت را کاهش داد بلکه آن را در دورنمایی از درآمدزایی داخلی قرار داد. همچنین با کنترل مصرف بنزین کمبودهای داخلی جبران و نیاز به واردات بنزین یا ایجاد پالایشگاه‌های جدید برای پاسخ به رشد فزاینده مصرف کاهش یافت. هیچ‌کدام از این حوزه‌ها صفر نشدند اما کنترل شدند. رصد خانه اقتصادی آمریکای لاتین نیز کاهش مخارج دولتی، محدودیت اعتبارات بانکی، حذف یارانه بنزین و گشایش بازار ارز را از جمله اقدامات دولت ونزوئلا برای مهار تورم ذکر کرده است. نیکولاس مادورو رئیس جمهور ونزوئلا نیز در ژانویه سال گذشته اصلاح نظام مالیاتی، توسعه صنایع تکمیلی، خودکفایی در کشاورزی و توسعه بخش مسکن را دلایل عبور از ابرتورم معرفی کرد. اگر آن‌گونه که برخی ادعا می‌کنند اقتصاد ونزوئلا به دلیل کاهش تحریم‌های آمریکا از ابرتورم رهایی یافت کاراکاس نیازی به انضباط مالی سختگیرانه و اصلاحات بزرگ اقتصادی نداشت. دولت ونزوئلا از ناچاری به سمت چنین اقداماتی گام برداشت که برخی از آنها مانند کاهش هزینه‌های دولت، عدم افزایش دستمزدها و افزایش قیمت بنزین در ظاهر مطلوب نبوده و اجرای آنها مخاطره‌آمیز بود.

۲ کمان مادورو در شرق

دولت مادورو تصمیم گرفت به جای ورود بی‌قاعده به مذاکره برای رفع تحریم‌ها دست به خنثی‌سازی آنها بزند. براساس یک دیدگاه خنثی‌سازی تحریم‌ها گام ابتدایی و لازم برای موفقیت رفع تحریم‌هاست زیرا آمریکا تحریم‌های موثر را تحت هیچ عنوان تغییر نمی‌دهد. مادورو برای خنثی‌سازی تحریم تنها با شعار به تلاش برای خودکفایی داخلی روی نیاورد بلکه همزمان با داخل، سیاست و تجارت خارجی را نیز در دستور کار قرار داد. روابط همه جانبه‌ای که کاراکاس در سال‌های اخیر برقرار کرد باعث شکسته شدن ولع ابرتورم و البته رام شدن غرب در بعضی برهه‌ها شد. مادورو روابط گسترده‌ای با چین، روسیه، ایران و حتی ترکیه که عضو ناتوست برقرار کرد. او روابط خارجی را به شکل چند جانبه و با تمرکز بر اقتصاد پیگیری کرد که شامل همکاری در توسعه زیرساخت‌ها، کارخانجات تولیدی، توسعه علم و فناوری و محصولات نظامی می‌شد، حتی در حوزه‌ای مانند نظامی که عموما هزینه بر است ونزوئلا با دریافت محصولات نظامی ارزان ولی موثر و دوربرد از ایران باعث کاهش هزینه‌های دفاعی خود و افزایش شدید قدرتش شد.

تفاوت نسبت ایران و ونزوئلا با آمریکا

ونزوئلا ابتدا در مسیر اصلاحات اقتصادی قرار گرفته و سپس با استفاده از شرایط دیگر موفق به تحمیل توافق کوتاه‌مدت رفع تحریم‌ها به آمریکا شد. با این حال برای چنین اقدامی نیز وضعیت کاراکاس با تهران تفاوت‌های بزرگی داشت.

۱ تفاوت بازار نفت

نفت ایران و ونزوئلا تحریم شد اما هر دو در حین تحریم‌ها به فروش و صادرات نفت خود به میزانی کمتر ادامه دادند. مشتری اصلی نفت ایران، چین و یکی از مصرف‌کنندگان نفت ونزوئلا، آمریکا بود. ونزوئلا مانند بسیاری از کشورها برای تضمین بازار خرید خود و البته با فشارهای آمریکا دست به خرید و ایجاد تاسیسات نفتی در این کشور زد. ونزوئلا مالکیت و سهام چند پالایشگاه و تعداد زیادی پمپ بنزین در آمریکا در اختیار دارد. ایران نیز در دوره‌ای که نفت کمی صادر می‌کرد، مجبور بود با دور زدن تحریم‌ها نفت خود را به دست چین برساند. در مقابل ونزوئلایی‌ها نیز علی‌رغم تحریم صادرات خود به آمریکا را ادامه دادند. در برهه‌ای حتی نفت ایران نیز به دلیل فروش به ونزوئلا راهی آمریکا می‌شد. ونزوئلا برای سبک‌تر کردن نفت سنگین خود نفتش را با نفت وارداتی از ایران مخلوط کرده و سپس آن را راهی پالایشگاه‌های خود در آمریکا می‌کرد. این نفت پس از تبدیل به بنزین و گازوئیل در بازار آمریکا به فروش می‌رسید. این پدیده نشان‌دهنده درهم‌تنیدگی روابط نفتی ونزوئلا و آمریکا بود. با توجه به روابط نفتی ونزوئلا و آمریکا نباید نسبت تحریم‌های نفتی ایران و ونزوئلا با رفتارهای آمریکا را یکسان شمرد.

۲ تاثیرپذیری آمریکا از ونزوئلا

به دلیل ابعاد عظیم قدرت آمریکا قاعدتا در یک مقایسه ونزوئلا باید به‌شدت تحت تاثیر این کشور باشد اما با نگاهی جزئی واشنگتن نیز از جهات زیادی متاثر از کاراکاس است. این تاثیرپذیری باعث می‌شود کاخ سفید به‌راحتی قادر به اقدام علیه این کشور نباشد. تداوم بحران اقتصادی برای ونزوئلا به معنای تشدید بحران مهاجرت و بی‌ثباتی در آمریکای لاتین است که می‌تواند به عمیق‌تر شدن بحران مهاجران در آمریکا منجر شود. مهاجرت امروزه یک موضوع به‌شدت مناقشه‌برانگیز در جامعه آمریکاست که در مقاطعی به مهم‌ترین مساله انتخابات تبدیل شده است. همچنین با آغاز جنگ اوکراین آمریکایی‌ها با آینده‌شناسی تنش‌ها با ونزوئلا را اندکی کاهش دادند. واشنگتن قصد داشت برای ضربه به مسکو در بازار انرژی خود را آماده کند و از سوی دیگر نیز مانع از تبدیل شدن ونزوئلا به سکویی روسی علیه آمریکا در حین جنگ اوکراین برای وارد آوردن ضربات متقابل شود.

جنگ لفظی اردوغان با صهیونیست‌ها چقدر واقعی است

او لاف نمی‌زند؟

حانیه قاسمیان
خبرنگار گروه جهان‌شهر

«ما باید خیلی قوی باشیم تا اسرائیل نتواند این کارهای مسخره را با فلسطین انجام دهد. همان‌طور که وارد قره‌باغ شدیم، همان‌طور که وارد لیبی شدیم، ممکن است مشابه آنها را انجام دهیم» این جملات را رجب طیب اردوغان در نشست حزب عدالت و توسعه در زادگاهش شهر ریزه ترکیه بیان کرد. اردوغان در این سخنرانی که به‌صورت زنده در تلویزیون پخش می‌شد، افزود: «هیچ دلیلی وجود ندارد که ما نتوانیم این کار را انجام دهیم... ما باید قوی باشیم تا بتوانیم این گام‌ها را برداریم.» پس از اظهارات جنجالی روز یکشنبه اردوغان، رئیس جمهور ترکیه جنگ لفظی بین شهروندان ترکیه و صهیونیست‌ها در شبکه‌های اجتماعی درگرفت. این اظهارات رئیس جمهور ترکیه باعث خشم سیاستمداران رژیم صهیونیستی شد. یسرائیل کاتز، وزیر امور خارجه رژیم از طریق حساب کاربری خود در پلتفرم ایکس در پاسخ گفت: «اردوغان با تهدید به حمله به اسرائیل راه صدام حسین را دنبال می‌کند.» او در ادامه توییت خود که حاوی عکسی از اردوغان و صدام بود، نوشت: «او باید به یاد داشته باشد که آنجا چه اتفاقی افتاد و چگونه پایان یافت.» کاتز به اردوغان هشدار داد که باید به یاد داشته باشد که این ماجرا چگونه در عراق به پایان رسید. پس از این توییت جنگ لفظی شعله‌ورتر شد و اکانت‌های شهروندان ترکیه به حساب وزیر خارجه رژیم هجوم آورده و مناظره‌ای میان آنها با صهیونیست‌ها شکل گرفت. تعداد تعاملات این پست تا روز گذشته (دوشنبه) به بیش از ۲۲ هزار کامنت و هفت میلیون کامنت رسید. برخی کاربران توییتری درخصوص این مساله نوشته‌اند: «یسرائیل کاتز جنایتکار جنگی، وزیر امور خارجه رژیم اشغالگر اسرائیل با تمام گستاخی رئیس جمهور ترکیه را به سرنوشت صدام حسین تهدید می‌کند که در سال ۱۹۹۰ عهد کرد نیمی از اسرائیل را بسوزاند و تل‌آویو را بمباران کند.» این موضوع نقش صهیونیست‌ها در حمله به عراق و اشغال یک کشور اسلامی را تایید می‌کند!

برخی دیگر از این کاربران گفته‌اند که به نظر می‌رسد وزیر امور خارجه اشغالگر فراموش کرده که ترکیه بر خلاف اشغالگران صهیونیست یکی از اعضای اصلی ناتو و دومین ارتش پرجمعیت این سازمان بعد از آمریکاست. از سوی دیگر کنشگران صهیونیست نیز از ناتو خواسته‌اند که ترکیه را از ائتلاف حذف کند. آنها همچنین از این سازمان خواسته‌اند اردوغان را به دلیل اظهاراتش پاسخگو کند. آرزوهای کاربران صهیونیست در شرایطی ابراز شده که آنها افتضاح و واکنش‌های سخت به توییت وزیرخارجه رژیم را که عمق انزوای تل‌آویو را برملا ساخت، دیده‌اند.

آغازی بر پایان سیاست وسط‌بازی

با آغاز عملیات طوفان الاقصی موازنه قدرت‌ها شکل جدیدی به خود گرفت. اردوغان که پیش از طوفان الاقصی و به‌ویژه طی جنگ سوریه سیاست موازنه قوا در منطقه را در دستور داشته است حال ناگزیر به بازنگری در این سیاست است. ترکیه همواره یکی از شرکای بزرگ تجاری رژیم صهیونیستی در منطقه بوده و یکی از متحدان اصلی بلوک ناتو در منطقه خاورمیانه محسوب می‌شود. از سویی دیگر اردوغان با حمایت از احزاب متصل به اخوان‌المسلمین در جهان عرب، حمایت از شاخه سیاسی حماس در غزه و حضور فعال و مداخله‌جویانه در جریان شورش‌ها و انقلاب‌های بهار عربی در پی گسترش عمق استراتژیک در منطقه بود. اما با این حال روابط خود با ایران به‌عنوان عضو اصلی محور مقاومت را در سال‌های جنگ داخلی در سوریه حسنه نگاه داشت. این موازنه همواره جزئی از دکترین امنیت ملی ترکیه بوده است. از آغاز جنگ غزه با حمایت تمام‌قد بلوک ناتو به‌ویژه آمریکا از رژیم صهیونیستی و رادیکال شدن سیاست‌های منطقه‌ای بلوک ناتو در خاورمیانه، هم‌پیمانان آمریکا در منطقه در دوراهی پیچیده‌ای قرار گرفتند. دوراهی انتخاب هم‌پیمان آمریکا و بلوک ناتو ماندن یا در کنار افکار عمومی جهان اسلام ماندن و به بلوک ضد ناتو پیوستن. این دوراهی برای دولت‌هایی نظیر قطر و ترکیه که پیش از این گروه‌های اسلامگرای منطقه از جمله حماس را مورد حمایت قرار داده بودند، پرچالش‌تر به نظر می‌رسد. در جهانی که کشورها به موازات طولانی شدن نسل‌کشی در غزه و مقاومت حماس ناگزیر به قطبی شدن هستند انتخاب راهی میانه برای توازن قوا از هر لحظه‌ای در تاریخ سخت‌تر به نظر می‌رسد. با زیر نظر گرفتن کنش‌ها و اظهارات اردوغان به نظر می‌رسد که او به‌ویژه پس از عملیات وعده صادق مسیری متفاوت از گذشته را در پیش گرفته است.

وعده صادق، افکار عمومی منطقه و اردوغان

نمی‌شود انکار کرد تصویر ایران در منطقه و جهان عرب در جریان توطئه علیه سوریه با چالش‌هایی مواجه شد. ایران تا پیش از آغاز بهار عربی به‌واسطه انقلابی با گرایش‌های اسلامگرایانه، حمایت از حزب‌الله در جنگ ۳۳ روزه و ایستادگی دربرابر دشمن تاریخی این منطقه یعنی اسرائیل، تصویری با ابهت و قابل احترام از خود در جهان عرب ساخته بود. با آغاز بحران در سوریه و شروع جنگ داخلی و تحرکات تروریست‌های داعش در سوریه ایران از دولت مستقر در سوریه حمایت کرد. با حمایت ترکیه از گروه‌های تروریستی سلفی در شمال سوریه، ایران و ترکیه در سوریه درگیر جنگی غیرمستقیم با یکدیگر شدند. با این حال روابط خود را در سطح دیپلماتیک و تجاری صلح‌آمیز نگه داشتند. پس از حمایت ایران از دولت مستقر در سوریه تصویر ایران و محور مقاومت با واسطه رسانه‌های استعماری آسیب جدی خورد. یکی از برنده‌های تخریب شدن تصویر ایران در بخشی از جهان عرب و منطقه خاورمیانه ترکیه بود. اردوغان توانست با شعارهای احیای امپراتوری عثمانی و حمایت از فلسطین چهره خود به‌عنوان یک کشور موفق و مقتدر، مسلمان و حامی فلسطین را تقویت کند. گرچه چهره ایران پس از شهادت سردار سلیمانی به سمت ترمیم جدی حرکت کرد اما افکار عمومی منطقه درباره ایران پس از حمایت بدون لکنت ایران از فلسطین از آغاز جنگ غزه و همچنین درگیری مستقیم ایران با رژیم صهیونیستی در جریان عملیات وعده صادق در بامداد فروردین ۱۴۰۳، به شکل مثبتی تغییر کرد. این در حالی بود که ترکیه با بازنگه داشتن خطوط تجاری‌اش با رژیم اشغالگر طی این ۱۰ ماه و حمایت‌های دست به عصا از فلسطین در عرصه جهانی به چهره خود در افکار عمومی منطقه آسیب جدی زد. رفتار دولت اردوغان در قبال جنگ غزه به جهان اسلام نشان داد این کشور در دفاع تمام‌قد از فلسطین امکانات محدودی دارد. از نتایج غیرمستقیم عملیات وعده صادق در سطح منطقه تلاش‌های اردوغان برای واکنش‌های صریح‌تر علیه اسرائیل و حمایت‌های جدی‌تر از مقاومت اسلامی در غزه بود. موافقت دولت اردوغان در انتقال دفتر حماس از قطر به ترکیه، کاهش اندک روابط تجاری با اسرائیل و اظهارات صریح اخیر اردوغان علیه اسرائیل از جمله اظهارات اخیرش را می‌توان در همین چهارچوب خوانش کرد. شنیده‌ها از سفر قریب‌الوقوع بشار اسد، رئیس جمهور سوریه به ترکیه بعد از یک دهه حکایت از آن دارد که ترکیه درصدد تنظیم مجدد مواضع خود، طبق ساعت جدید منطقه است.

ناتو در دو راهی

ترکیه از سال ۱۹۵۲ تاکنون عضو ناتو بوده است. این کشور همچنین در سال‌های اخیر تلاش‌هایی جدی برای پیوستن به اتحادیه اروپا داشته است. باید اذعان کرد که عضویت ترکیه در پیمان ناتو به‌عنوان کشوری در مجاورت رقبا و دشمنان آمریکا، برای این بلوک دستاوردهای مهمی داشته است. ترکیه از مهم‌ترین هم‌پیمانان تاریخی بلوک غرب و آمریکا در منطقه محسوب می‌شود. در دهه‌های اخیر آمریکا همواره در تلاش بود که میان دو هم‌پیمان خود در منطقه خاورمیانه یعنی اسرائیل و ترکیه روابطی دوستانه برقرار باشد. حال باید دید که با تیره شدن روابط میان این دو هم‌پیمان بلوک ناتو، آمریکا حمایت از کدام نیرو را ترجیح می‌دهد. واضح است که پافشاری ناتو در حمایت مالی و تسلیحاتی از یک رژیم غیرعضو (اسرائیل) و فاصله گرفتن سیاست‌های ترکیه از سایر هم‌پیمانانش می‌تواند آغازی به سمت تضعیف پیمان ناتو فهم شود.

پیش به سوی امپراتوری نوین عثمانی

با پیروزی نسبی اپوزیسیون حزب عدالت و توسعه (حزب اردوغان) در انتخابات محلی ترکیه و به‌ویژه در استانبول در ماه مارس سال جاری میلادی حزب مستقر و شخص اردوغان را به این نتیجه رساند که برای بقای سیاسی خود در حاکمیت حزبی و انتخابی ترکیه باید مواضع صریح‌تر و جدی‌تری علیه اسرائیل اتخاذ کند. او باید بتواند رای بدنه اسلامگرا، سنتی و مذهبی که به وعده‌ها و خطابه‌های آتشین او برای حمایت از احیای امپراتوری عثمانی رای داده بودند را همچنان در سبد حزب خود نگه دارد. موضع‌گیری اردوغان در قبال جنگ غزه که هر روز شعله‌هایش گسترده‌تر شده و هرآینه به جنگی اقلیمی تبدیل می‌شود علاوه‌بر امنیت ملی ترکیه و افکار عمومی منطقه تاثیر مهمی در بقای سیاسی خود او، حزبش و پروژه نوعثمانی‌گری‌اش دارد.

هیتلر و نتانیاهو- اردوغان و صدام، کدام شبیه‌ترند؟

کاتص با تشبیه اردوغان به صدام باعث شد که مجددا محتواهایی که نتانیاهو را به هیتلر تشبیه می‌کنند در فضای مجازی منتشر شوند. این نخستین بار نیست که در افکار عمومی و حتی سخنرانی رهبران جهان سیاستمداران و کنشگران حقوق بشر نتانیاهو به هیتلر تشبیه می‌شود. به نظر می‌رسد کاتص باید به جای تشبیه کردن تهدیدآمیز اردوغان به صدام که روزی مهره آمریکا برای مهار انقلاب ایران بود و شعله چند جنگ در منطقه را برانگیخت، فکری برای تصویر هولناک عالی‌ترین مقام اجرایی رژیم اسرائیل کند؛ چراکه با طولانی شدن نسل‌کشی و افزایش جنایت در غزه تشبیه نتانیاهو به هیتلر به یک امر تثبیت‌شده در افکار عمومی جهان تبدیل شده است.